

میراثی برای ترویج دانش



محدثه سادات میر حسینی*

در تعریفی تاریخی مدرسه را می‌توان به عنوان بنیان آموزشی متعالی‌تر، که معمولاً شبانه‌روزی هم هست، توصیف کرد. بنیانی که در آن علوم سنتی اسلامی، یعنی؛ حدیث، تفسیر، فقه و جز آن، تدریس می‌شد. نخستین مدرسه‌هایی که نام آن‌ها در منابع مکتوب ثبت شده، متعلق به شرق ایران و اوایل قرن چهارم هـ.ق می‌باشند. تا سال ۴۱۶ هـ.ق در شهر کوچک خوتال بیش از بیست مدرسه وجود داشت، که هر یک از طریق وقف برپا گردیده بود. در دوره سلجوقیان، شاهزادگان شروع به احداث مدرسه‌هایی در مرو، بغداد، اصفهان، همدان و ... کردند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که تامین مالی این نوع بنا به وسیله دولت سابقه‌ای دیرینه دارد. پس از حمله مغولان و ویرانی‌های گسترده در سراسر ایران آن روزگار، در دوره حکومتی ایلخانیان تعداد کمی مدرسه در ایران ساخته شد. دوران تیموریان بی تردید دوران طلایی مدارس ایرانی است. در این راستا خراسان و ماوراءالنهر زمینه تحولات جدی بودند. استرآباد نیز ظاهراً چندین مدرسه داشته، چنان‌که در وقف‌نامه خواجه مظفر پتکچی به تاریخ ۹۲۰ هـ.ق، واقف بخشی از منافع موقوفات خود را به مدارس استرآباد اختصاص داده است. در بخشی از این وقف‌نامه آمده: «... و ثلثی را صرف فقراء حفاظ کلام ملک علام و موالی که در مدارس استرآباد به استفاده علوم دینی اشتغال داشته باشند نماید.» با استقرار حکومت شیعی صفوی و رشد فعالیت‌های وسیع در گستره فرهنگ، راه ترقی فرهنگ و تمدن هموار گردید. پس

از تثبیت این حکومت فعالیت گسترده‌ای در زمینه مدرسه سازی در ایران پدید آمد. در این دوره در استرآباد نیز مدارسی چون؛ مدرسه‌های دارالشفاء (دارالشفاء مظفریه یا شفاعیه)، عمادیه (مدرسه دربنو)، سادات (مفیدیه) و یوسفیه احداث شده‌اند. پس از آن در دوره قاجار همچنان روند احداث مدارس به‌ویژه توسط افراد خیرین سرشناس و علما و بزرگان، در شهرهای مختلف ادامه یافت. چنان‌که از آن جمله می‌توان به مدرسه و مسجد محمودیه تهران، مسجد و مدرسه آقا بزرگ در کاشان و ... اشاره نمود. در استرآباد نیز در دوره قاجار چند مدرسه احداث گردید که از آن جمله می‌توان به مدرسه صالحیه، محسنیه، رضویه یا سردار و تقویه یا زنجیردار اشاره نمود. در این مقاله به معرفی وقفنامه آقا محسن شیخ‌الاسلام (۱۲۴۲هـ.ق) و بررسی ارزش‌های مطالعاتی و پژوهشی آن خواهیم پرداخت.

واقف

میر محمدمحسن ابن محمدمه‌دی ابن محمدمحسن ابن مفید ابن ابوجعفر ابن محمدباقر ابن فخرالدین ابن محمدمحسن الحسینی الموسوی استرآبادی معروف و مشهور به «میرمحمدمحسن موسوی مفیدی» و «آقا محمدمحسن شیخ‌الاسلام» از سادات مفیدی استرآباد است. برخی از نوادگان وی اکنون با نام خانوادگی «محسنی مفیدی» و نیز «شیخ‌الاسلامی» در گرگان ساکن هستند. از تاریخ ولادت و وفات آقا میرمحسن اطلاع چندانی در دست نیست، اما بر اساس اندک اطلاعات موجود در اسناد پراکنده، ولادت وی باید در اواخر سده ۱۲هـ.ق روی داده باشد. آقامحسن حداقل از تاریخ ۱۲۲۵هـ.ق منصب شیخ‌الاسلامی داشته و به ظاهر بین او و فتحعلی‌شاه نیز قرابتی بوده است. همچنین چنان‌که در متن وقفنامه آمده آقامیرمحسن و محمدقلی میرزا ملک‌آرا فرزند فتحعلی‌شاه و حکمران استرآباد به طور شراکتی یازده باب دکان در راسته بازار کهنه استرآباد ساخته‌اند. و در برخی سفرها مانند سفر چشمه‌علی دامغان با هم هم‌کارب بوده‌اند. بر اساس اسناد موجود، وی از علمای طراز اول و مرجع رفع منازعات استرآباد نیز بوده است. آقا میرمحسن از حدود سال ۱۲۳۵هـ.ق، به تولیت مدرسه‌ی مفیدیه منصوب شده و مدیریت این مدرسه نیز با وی بوده است، اما به دلایلی نامعلوم در حدود سال‌های ۱۲۴۰-۱۲۳۹هـ.ق خود اقدام به ساخت مدرسه‌ای دیگر می‌نماید و کار ساخت مدرسه‌ی وی در سال ۱۲۴۱هـ.ق به اتمام می‌رسد. تاریخ وفات آقامیرمحسن نیز چندان مشخص و روشن نیست. بر اساس آنچه که در ثلث آخر وقفنامه (سطر ۹۹-۹۶) از کلام آقا سیدحسین شیخ‌الاسلام، برادر آقامیرمحسن می‌خوانیم: «چون

بندگان خدایگان آقائی اخوی‌ام در کمال سداد رأی و شعور املاک را به طریق مسطور وقف نموده و وقفنامه‌چه در دو صفحه [و] نیم اول به خط مبارک نوشته، انواع اقسام اسقام به جناب واقف معظم‌الیه روی داده که از نوشتن آن عاجز، مقرر فرمودند به اقل خلیقه و راقم نمیکه که در اتمام آن پرداخته ...». که از این عبارات چنان برمی‌آید که آقامیر محسن از سلامت و وضعیت جسمی مناسبی برخوردار نبوده و روی نمودن انواع و اقسام بیماری‌ها به او، به احتمال قوی به سبب کهولت سن بوده است. به هر تقدیر آقامیر محسن تولیت موقوفات را به نفس خود و پس از فوت خود به نوهی خود، علی محمد، واگذار کرده و می‌گوید چون علی محمد صغیر است، اگر فوت من در زمان صغارت وی رخ دهد، متولی موقوفات، برادرم آقا سیدحسین خواهد بود، تا زمانی که آقاعلی محمد به بلوغ برسد. با توجه به این مطلب و نیز با مراجعه به حکم حکمران استرآباد مورخ ۱۲۴۸ هـ.ق که آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام را رسماً متولی مدرسه محسنیه دانسته است، می‌توان احتمال داد که در این تاریخ آقامیر محسن در قید حیات نبوده است. یعنی در حدفاصل سال‌های ۱۲۴۲ تا ۱۲۴۸ هـ.ق فوت کرده است. بر خلاف رسم رایج آن زمان، که مؤمنین به ویژه علماء، وصیت می‌کردند در نجف اشرف دفن شوند، تا روح آنان با روح پیامبران و ائمه قرین باشد، آقامیر محمد محسن شیخ‌الاسلام را بنا بر وصیت خودش در حیاط اندرونی مدرسه‌ی محسنیه دفن کردند. البته شاید این امر نیز معلول فوت فرزندش، آقا ابوتراب، در غربت بوده است. چنان‌که در سطر ۱۶ و وقفنامه در مورد فوت فرزندش می‌گوید: «... و در غربت به اجل محتوم طومار عمرش مختوم شد ...». مقبره‌ی وی تا حدود سال ۱۳۳۷ ش در مکان مذکور وجود داشت. اما در هنگام احداث خیابان دوم سرخواجه (خیابان شهید رجائی کنونی)، از بین رفت. از شروطی که وی برای قرائت قرآن و روشنایی مزارش معین کرده، می‌توان به کهولت سن و انتظار مرگ در وی پی برد، و از طرفی تأییراتی که فوت فرزندش در غربت، بر روحیات وی گذاشته، هرچه بیشتر نمایان می‌شود. (سطرهای ۷۳ تا ۸۱ و وقفنامه)

فرزندان ذکور آقامیر محسن شیخ‌الاسلام

چنان‌که از متن وقفنامه‌ی آقامیر محسن (۱۲۴۲ هـ.ق) برمی‌آید تنها فرزند ذکور او، آقا ابوتراب بوده که در زمان تنظیم وقفنامه، با اندوه و افسوس، به درگذشت او اشاره می‌کند. وی در سطر ۲۵ و ۲۶ این وقفنامه، درباره‌ی فرزندش می‌گوید: «... آن سعادت‌مند فرزند که از همه لذات دنیوی محروم و در غربت به اجل محتوم، طومار عمرش مختوم شد ...» و به همین دلیل است که تولیت موقوفات

مدرسه را به آقا علی محمد، فرزند صغیر آقا ابوتراب، واگذار کرده است. در حالی که در حکمی از محمدقلی میرزا مورخ ۱۲۲۵ هـ.ق به «ولدان» آقامحمدمحسن شیخ‌الاسلام اشاره شده، و باز در حکمی دیگر از همو مورخ ۱۲۳۷ هـ.ق، به صراحت از دو پسر آقا میرمحسن به نام‌های آقابوتراب و میرزا هدایت‌الله نام برده شده است. البته این احتمال وجود دارد که آقامیرزا هدایت‌الله قبل از آقا ابوتراب (در حد فاصل سال‌های ۱۲۴۰-۱۲۳۷ هـ.ق) فوت کرده و از او اولادی باقی نمانده و این که آقامیرمحسن در متن وقفنامه، از مرگ فرزندش، آقا ابوتراب، با افسوس و حسرت یاد می‌کند، ممکن است که در آن تاریخ آقابوتراب را تازه از دست داده باشد و یا آن که تنها امید وی برای بقای نسل، پس از آقا میرزا هدایت‌الله به آقابوتراب بوده است و شاید اصولاً یکی از علل وقف املاکش، تأثیر مرگ همین آقابوتراب بوده باشد که بی‌زوالی دنیا را برای او روشن‌تر و واضح‌تر کرده و از طرفی از آن‌جا که تنها امیدش به بقای نسل، آقا علی محمد، صغیر آقابوتراب است، خواسته پس از مرگ خودش، تمام شرایط برای رشد و نمو و رسیدن به کمال وی محیا باشد. البته که تکرار یک مضمون، به اشکال مختلف در جای جای وقفنامه، نشان از تلاش و امید وی برای ایجاد تضمینی محکم‌تر برای ادامه‌ی نسل خود دارد. چنان‌که یک بار در سطر ۹ وقفنامه می‌خوانیم: «... اولاد موجودی و سیوجد خود ...» و در جای دیگر همو در سطر ۱۶ وقفنامه می‌گوید: «... اولاد ذکوری اگر خدا خواهد ازین بی‌وجود به وجود آید ...». و باز در جای دیگر، در سطر ۲۳ زمانی که می‌خواهد به نخستین قسم از اقسام پنجگانه موقوفات خود پردازد، می‌گوید: «... یکی از اقسام خمسسه، موقوفاتی است که مختص به فرزندی علی محمد و اولاد ذکوری که اگر احیاناً ازین بی‌وجود به وجود آید ...». و باز در سطر ۲۸ نیز تکرار می‌کند: «... و بر اولاد ذکوری که اگر احیاناً ازین روسیاه بعد از این، از تفضلات سبحانی به وجود آید ...» تکرار این مضمون به دفعات، نشان می‌دهد که وی هنوز در تلاش است وارث دیگری برای خود به‌وجود آورد. چراکه آقابوتراب که فوت کرده و از او اولاد دیگری به‌وجود نخواهد آمد و اگر منظورش اولاد آقاعلی محمد است، که همان حکم «اولاد اولاد» را دارد و شرایط آن در وقفنامه ذکر شده است. در مورد علت فوت آقابوتراب نیز یک نکته وجود دارد و آن این است که: در بین عباراتی که آقامیرمحسن در مورد مرگ فرزندش آورده، بین دو عبارت «... از همه لذات دنیوی محروم ...» و «... به اجل محتوم طومار عمرش مختوم شد ...»، تناقض مفهومی وجود دارد. چراکه آنچه از عبارت نخست به ذهن متبادر می‌شود؛ این است که آقابوتراب در سنین جوانی فوت کرده و به اصطلاح امروزی «جوان ناکام» بوده و حال آنکه در عبارت دوم مفهوم «اجل محتوم» برداشت دیگری را به دست می‌دهد. چرا که برای اجل (مرگ)، دو

نوع قائل اند، یکی اجل محتوم (حتمی/مسمی/طبیعی) و دیگری اجل غیر محتوم (معلق/موقوف/غیرطبیعی). جسم انسان با توجه به توانایی ذاتی، می تواند برای مدت طولانی عمر کند. در صورتی که تمامی موانع عمر طبیعی از سر راه برداشته شود و انسان تا آخرین توان جسمی خود و به عمر طبیعی بمیرد، به اجل حتمی مرده، و در مقابل اگر هر نوع مانعی موجب مرگ انسان به صورت غیر طبیعی شود (مانند: سکت، بیماری ها، اعتیاد، اعدام، تصادف و...)، به اجل غیر محتوم (معلق) مرده است. بنابراین با توجه به عبارت «... از همه لذات دنیوی محروم ...» و نیز وجود یک اولاد صغیر از آقابو تراب، به نظر نمی آید که وی به عمر طبیعی مرده باشد. اما با توجه به ناشناخته بودن بسیاری از بیماری ها در آن زمان، ممکن است مرگ آقابو تراب با ظاهری طبیعی بوده باشد. مانند آنچه که در افواه عامه از آن با عنوان «خوابیدن و برنخواستن» و یا «سر بر زمین گذاشتن و مردن» و... یاد می شود. به هر تقدیر نسل آقامیر محسن، ظاهراً تنها از طریق آقاعلی محمد (فرزند آقابو تراب) باقی مانده و اکنون خانواده های سادات «محسنی مفیدی» و «شیخ الاسلامی» ساکن شهر گرگان از اخلاف وی هستند. با مطالعه و بررسی اسناد موجود، یک دختر نیز از آقامیر محسن، به نام مریم بیکم، شناسایی می شود که تا سال ۱۲۹۷ هـ.ق در قید حیات بوده است.

مدرسه محسنیه

این مدرسه در شرق مرکز محله میدان و در گذری قدیمی که محله و بازار میدان را به محله درب نو مرتبط می کند، واقع شده است. آقامیر محسن در سطرهای ۵-۳ و قفنامه در باب ساخت این مدرسه می گوید: «این بنده عاصی و غریق بحر معاصی محمدمحسن الموسوی الاسترآبادی به جهت تخفیف خطیات و تقلیل سیآت به مفاد الغریق یتشبت بکلّ حشیش، قربه الی اله تعالی و طلباً لمرضاته از اخص مال و مباح ترین اموال خود احداث مدرسه نمود که طالبان علوم دینی و محصلان معارف یقینیه در آن متمکن گردیده به تحصیل اشتغال نمایند».

بنای مدرسه محسنیه با استناد به متن کتیبه سنگی آن، در سال ۱۲۴۱ هـ.ق توسط آقا محسن احداث شده است. [متن کتیبه:]

جهان فضل و دریای کرم سر دوران / وحید دهر آقا محسن که شد سادات را سرور

خدیدو کشور اسلام صدر مستند عزت / بروج شرع را بیضا سپهر عدل را محور

دلش بحرست طوفانی که میریزد از آن لولو / کفش ابری است نیسانی که میریزد از آن گوهر

بنا فرموده است این مدرس زیبای میمون را / پی خشنودی حق و رواج دین پیغمبر

چه مدرسه که چون فردوس اعلی سیم گون غرفه / چه مدرسه که چون گردون مینا بیستون محجر

بود هر غرفه اش در جی در او رخشنده گوهرها/ بود هر حجره اش برجی در او تابنده بس اختر
ملک چون خادمان بهر شرافت از شعف دایم/ ستاده بهر خدمتکاری این آستان بر در
رقم زد کلک مشفق این چنین از بهر تاریخش/ بود این مدرسه میمون علم افزون دین پرور
تاریخ هزار و دویست و چهل و یک

آقامحسن پس از اتمام ساخت مدرسه، به منظور حفظ و نگهداری بنا و همچنین تأمین منابع مالی مدرسین و محصلین مدرسه بخشی از املاک خود را در سال ۱۲۴۲ هـ.ق وقف نموده و ضمن آن شروطی را جهت مدیریت امور مدرسه، قید کرده است، که در این باب نباید نقش تجربیات چندین ساله‌ی وی در زمان تدریس و تولید مدرسه‌ی سادات مفیدیه) را نادیده گرفت.
با وجود تأکید واقف بر نگهداری ساختار اولیه بنا، در ذیل شروط مندرج در وقف‌نامه‌ی مذکور (سطرهای ۶۳ تا ۶۵)، در هنگام احداث خیابان دوم سرخواجه (خیابان فرح و مجاهدین بعدی و شهید رجایی کنونی) که از سال ۱۳۳۷ ش شروع شده و تا سال ۱۳۳۹ ش ادامه داشت، بخشی از ضلع غربی مدرسه که شامل فضاهای خدماتی و مقبره‌ی واقف بود، به همراه تکیه سادات مفیدی تخریب شده و پس از آن با استفاده از مبلغ ۸۰۰۰ تومان که شهرداری در ازای بخش‌های تخریب شده‌ی بنا به سادات مفیدی پرداخت کرده، مجدداً تکیه و مغازه‌های از بین رفته را بازسازی نموده‌اند. بنای این مدرسه در سال ۱۳۵۲ ش، در زمان مدیریت حجه‌الاسلام سیدرضا سیدهاشمی تخریب شده و در سال ۱۳۵۵ ش، بنای کنونی به انضمام مغازه‌های ضلع شمالی مدرسه احداث شده‌اند. چنان‌که اکنون نیز در قسمت فوقانی ورودی مدرسه نوشته شده: «مدرسه مبارکه محسنیه - حاج سید رضا سیدهاشمی فرزند آیت ... حاج سید ابراهیم - تأسیس عید سعید غدیر ۱۲۹۷ هـ.ق».

وقفنامه آقامیرمحمدحسن شیخ‌الاسلام مورخ ۱۲۴۲ هـ.ق

نسخه‌هایی که تاکنون از این وقفنامه شناسایی شده، همگی رونوشت از روی نسخه‌ی اصل بوده‌اند. بنابراین به منظور بازنویسی و بازخوانی متن وقفنامه، سه نسخه‌ی رونوشت از متن تهیه شد که این سه نسخه عبارتند از: ۱- نسخه مرکز اسناد دانشگاه تهران که در واقع همان نسخه‌ی مورد استفاده‌ی دکتر ستوده در کتاب از آستارا تا آستارباد است. ۲- نسخه‌ی موجود در بایگانی اداره اوقاف شهرستان گرگان. ۳- نسخه‌ی موجود در نزد خانواده‌ی محسنی مفیدی که در حال حاضر متولی موقوفات آقامیرمحمدحسن هستند. این سه نسخه در اصل متن هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشته و تفاوت آن‌ها تنها در این است که نسخه‌ی دانشگاه تهران، ضمایمی را بر دو نسخه‌ی دیگر افزون دارد.

این وقف‌نامه در دوازدهم ماه رجب سال ۱۲۴۲ هـ ق مقارن با دوران حکومت فتحعلی شاه قاجار نوشته شده است. با استناد به متن وقف‌نامه (سطر ۹۷)، دو صفحه و نیم اول وقف‌نامه توسط واقف یعنی؛ محمدمحسن موسوی استرآبادی نگارش یافته و این موضوع البته از واژه‌هایی که در مورد واقف به کار رفته، مانند: «این بنده عاصی و غریق بحر معاصی» در سطر ۳ مشخص است و مابقی متن وقف‌نامه از سطر ۹۲ توسط برادر واقف به نام محمدحسین موسوی استرآبادی نوشته شده است. چنان‌که در این بخش از واقف با عبارات «معظم‌الیه» و «معزی‌الیه» یاد شده است. برادر آقامیرمحسن علاوه بر اتمام متن وقف‌نامه، موقوفاتی را به آن اضافه نموده است. به عنوان مثال در سطر ۱۱۳ و ۱۱۴ می‌نویسد: «... ایض فئات افرابن که سه دانگ آن را از آخوند ملاکاظم و یکدانگ آن را از صبیبه مرحوم آقا عبدالله قاضی خریدهام...».

ویژگی‌های نگارشی وقف‌نامه

رسم‌الخط وقف‌نامه به شیوه‌ی قدیم است. به عنوان مثال؛ کاتب در سراسر متن «گ» را به صورت «ک» آورده است. همچنین سرهم نویسی در متن از بسامد بالایی برخوردار است. مانند: علیمحمد، صحیح‌شرعی، باینمعنی، بدکانه‌های و... سراسر متن مملو از واژه‌ها و ترکیبات و عبارات عربی است و البته تعداد محدودی واژه و فعل فارسی نیز در متن به کار گرفته شده است. مانند: برخوردار، هنگام، برادر، بی‌همتا و... گاهی نیز یک واژه‌ی فارسی با ضمیر عربی ترکیب شده، مانند: «فرزندی» که ترکیب واژه فارسی «فرزند» و «ی» ضمیر متکلم و حده عربی، به جای «ولدی» معنای «فرزند من» و به جای «ولدی» است.

مفاد و مفنانه

واقف بخشی از املاک و مستقالات خود را که به گفته‌ی خویش از طرق شرعی به دست آورده، بر طلاب و محصلین مدرسه‌ی خود (مدرسه محسنیه)، تعزیه سیدالشهدا (ع) و اولاد موجود و اولادی که بعد از آن به وجود خواهند آمد وقف کرده است. چنان‌که در سطور ۱۰-۶ می‌نویسد: «... بناء علی هذا وقف صحیح شرعی مؤبد و حبس صریح اسلامی مخلد نمودم شردمه‌ای از ضیاع و عقار و املاک و مستقالات خود را که عمر عزیز را صرف تحصیل آن‌ها کرده و در مدت زندگانی به نهج شرعی و طریقه اسلامی به تصرف و تملک در آورده، بر طلاب و محصلین ساکنین مدرسه مزبوره و تعزیه جناب سیدالشهداء و اولاد موجودی و سیوجد خود بطناً بعد بطن و نسلآ بعد نسل...».

موقوف‌علیهم؛ واقف موقوفات خود را به اعتبار موقوف‌علیهم به پنج قسم تقسیم کرده است و

مجموع آنها را «اقسام خمسسه» نامیده است. در متن وقفنامه (سطر ۱۱ تا ۱۴) در این باب آمده: «... چون بعضی از موقوفات مختص به فرزند مذکور مشارالیه (علی محمد) و بعضی مشترک بین فرزندی و سایر اولاد و برخی مختص به طلاب و تعزیه و بعضی مشترک بین اولاد و طلاب و تعزیه و بعضی مختص تعزیه و در ضمن عقد وقف مدرسه فیودات و شروطات چندی بود که اظهار آنها لازم می نمود ازین جهت به جهت هریک از موقوفات تفصیلی علیحده مرقوم و حقیقت هریک را مفصلاً مسطور نمودم که هنگام رجوع به سهولت استفاده نمایند...».

تولیت موقوفات: هر چند واقف در سطرهای آغازین وقفنامه، کلیاتی را در باب تولیت موقوفات بیان می کند، اما در ذیل توضیح هر قسم از اقسام خمسسه ی موقوفات، مواردی را در مورد تولیت آن قسم نیز ذکر می کند. در ابتدای متن وقفنامه، در سطرهای ۱۴ تا ۲۰ در باب تولیت آمده: «... تولیت اعیان موقوفه که در این چند صباح خود به قید حیات است با اقل عباد است... و بعد از وفات با فرزندی علی محمد و اولاد ذکوری اگر خدا خواهد ازین بی وجود به وجود آید... و بعد از انقراض العیاذ بالله اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود و در زمان فقد ذکور بر حسب الجاء و اضطرار به عاریت اناث مباشر خواهند بود و بعد مشارالیهما بر اولاد ذکور ایشان و با تعدد ذکور، اکبر و ارشد و اصلح متولی خواهد بود و در مرتبه تولیت، ذکور اولاد اناث اگر ذکور مذکور از برادر باشد اولی و احق خواهد بود...» و در باب حق التولیه نیز آورده: «و او تا مادامی که خودم در قید حیات و متولی هستم؛ حق التولیه را به مقتضای رای خود مقرر داشته، و بعد از وفات؛ سدس از منافع موقوفات کلاً و طراً از مدرسه و غیره حق التولیه خواهد بود...» (سطرهای ۱۷-۱۵) اما در ادامه ی متن وقفنامه، در ذیل اقسام خمسسه، موارد دیگری را ذکر می کند که ما نیز ذیل تفکیک اقسام خمسسه، به آنها اشاره کرده ایم.

نکته ای که در این جا لازم به ذکر است، طبق متن ابتدای وقفنامه (سطرهای ۱۴-۱۱) اقسام خمسسه ی موقوفات عبارتند از: «۱- مختص آقاعلی محمد ۲- مشترک بین آقاعلی محمد و سایر اولاد ۳- مختص طلاب و تعزیه ۴- مشترک بین اولاد و طلاب و تعزیه ۵- مختص تعزیه» اما طبق آنچه که در ظاهر نسخه و با استفاده از الگوهای نگارشی این اقسام را تقسیم کرده، این اقسام عبارتند از: «۱- وقف بر علی محمد و اولادی که احیاناً از واقف به وجود آیند. ۲- وقف بر طلاب و محصلین ساکن مدرسه و تعزیه و کتابت و قرائت ۳- (قسم سوم نیز مانند قسم دوم) بر طلاب و محصلین ساکن مدرسه و تعزیه و کتابت و قرائت ۴- وقف بر مدرسه ۵- مشترک بین اولاد و اعقاب و طلاب مدرسه» اما آنچه از محتوای متن وقفنامه استخراج می شود، اقسام موقوفات عبارتند از: «۱- مشترک

بین علی محمد و سایر اولاد ۲- مشترک بین طلاب مدرسه و تعزیه و کتابت و قرائت ۳- مدرسه ۴- مشترک بین اولاد و اعقاب و طلاب مدرسه ۵- مشترک بین اولاد و طلاب و تعزیه ما در اینجا آن پنج قسم که از محتوای متن وقفنامه استخراج می‌شود را بیان خواهیم کرد.
قسم نخست از اقسام خمسه:

موقوفه: خانه و اوطاق مسکونه خود واقف، با طویله و سایر ملحقات و منضمات آنها، به انضمام خانهای علاقه‌بند که متصل به خانه واقف بوده و واقف آن را خریده و به خانهای خود منضم نموده است.

موقوف علیهم: علی محمد (نوه واقف) فرزند مرحوم آقا بوتراب و همچنین اولاد ذکوری که اگر احياناً از واقف به وجود آید و بر اولاد ایشان نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و بعد از انقراض اولاد، بر طلاب و محصلین مدرسه

متولی: علی محمد و بعد از او اولادش ذکوراً کان ام اناثاً و بعد از انقراض اولاد، بر اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود.

حق التولیه: یک ششم (سدس) منافع حاصل از موقوفات

قسم دوم از اقسام خمسه:

موقوفه: شش دانگ از یازده باب دوکانی که به صورت اشتراکی با محمدقلی میرزا ملک‌آرا از قرار چهار دانگ آقامحسن و دودانگ محمدقلی میرزا، که با موافقت ملک‌آرا همگی آنها را وقف کرده است. دکان مزبوره دکان‌هایی است که اول ساخته شده روی به مغرب، مقابل تیمچه و دکان‌های تیمچه و متاهی می‌شود به دکان‌های موقوفه جد واقف (مرحوم سیدمغید)

و همچنین: ده باب دوکان سمت شرقی که متصل است به دکانین مزبوره فوق

موقوف علیهم: طلاب مدرسه و تعزیه سیدالشهداء ع و جزئیاتی چون قرائت و کتابت

متولی: علی محمد و بعد از او اولادش ذکوراً کان ام اناثاً و بعد از انقراض اولاد، بر اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود.

حق التولیه: یک ششم (سدس) منافع حاصل از موقوفات

قسم سوم از اقسام خمسه:

موقوفه: چهار باب دکانین است که در جنب خلای مدرسه احداث کرده که هنوز به انجام نرسیده

اکثری از آلات و اسباب آن سرانجام و بعضی تعمیر نیافته لکن ان‌شاء‌الله تعالی در شرف تعمیر است که در جوف هر یک چاهی قرار داده که به جهت خلای مدرسه حفر شود.

موقوف‌علیه: مدرسه محسنیه

متولی: علی محمد (نوه واقف) و با اولاد اولاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و پس از انقراض اولاد ذکور علی محمد، با اولاد ذکوری که از اناث حاصل شود و بعد انقراض آنها، تولیت با اولاد برادر واقف (محمدحسین) بوده باشد و بعد انقراض آنها، تولیت با اولاد همشیره واقف بوده و بعد انقراض آنها، با اعلم مدرسه حسنیه است.

واقف یادآور می‌شود: چون در این زمان (۱۲۴۲هـ.ق) علی محمد در صغر سن بوده، امر تولیت مفوض به برادر واقف (محمدحسین) می‌باشد که باید حق‌التولیه را با علی محمد بالاشتراک به مصرف خودشان برسانند و بعد رشد علی محمد، تولیت مختص به او است.

حق‌التولیه: یک ششم (سدس) از منافع حاصل از موقوفه که باید تا زمان صغر سن علی محمد، محمدحسین و علی محمد بالاشتراک استفاده کنند. در ضمن پس از کسر وجه تعزیه و حق‌التولیه و حق قاری، یک دهم (عشر) حاصل از باقیمانده منافع حق‌التدریس و متعلق به مدرسین مدرسه است. چه مدرسین متعدد باشد و چه یک نفر باشد همان عشر به او تعلق دارد.

قسم چهارم از اقسام خمس:

موقوفه: ۱- قریه کلاجان قاضی هفده سهم از بیست سهم از نود سهم از کل شش‌دانگ به انضمام یک باب آبدنگ و ملیارستان و توستان با مجری المیاه متعلقه به آن که از رودخانه شصت‌کلاته منشعب می‌شود. ۲- پنج‌دانگ کامل حق‌الحفر یک رشته قنات موسوم به فیض آباد که واقع است در قریه کلاجان قاضی ۳- یک دانگ و نیم حق‌الحفر و هفده سهم از نود سهم از دو دانگ حق‌الارض قنات کیاب واقع در قریه کلاجان قاضی ۴- قنات سنگ کاریز واقع در مزرعه سنگ دیک کلاجان جدید شش دانگ و همچنین هفده سهم از نود سهم از دو مزرعه و نیم آب شصت‌کلاته که حقباه قریه کلاجان است. ۵- قنات افرابن بالتمام ۶- قنات مشهوره به قنات عوضعلی که واقع است در قریه سرکلاته دو دانگ و نیم از شش دانگ ۷- قنات واقع در بانعمان و قنات لرخیل که مورد مصرف رعایای لرخیل است. ۸- پنج سهم از هفت سهم از چهاردانگ و نیم از شش دانگ از قنات چشمه بهلول‌آباد (مشترک بین مدرسه و اموات) ۹- دو خمس از دو دانگ از چهار دانگ قنات‌های پای‌چنار و میان‌ده

موقوف علیهم: مشترک بین اولاد و اعقاب واقف و طلاب مدرسه

متولی: علی محمد (نوه واقف) و با اولاد اولاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و پس از انقراض اولاد ذکور علی محمد، با اولاد ذکوری که از اناث حاصل شود و بعد انقراض آن‌ها، تولیت با اولاد برادر واقف (محمدحسین) بوده باشد و بعد انقراض آن‌ها، تولیت با اولاد همشیره واقف بوده و بعد انقراض آن‌ها، با اعلم مدرسه حسنیه است.
حق التولیه: یک ششم (سدس) منافع حاصل از موقوفات

قسم پنجم از اقسام خمه؛

موقوفه: ۱- دو سهم از پنج سهم از سه دانگ از کل شش‌دانگ مزرعه علی کرد و دو سهم از پنج سهم از دو دانگ قنات مخروبه مزرعه علی کرد ۲- کرپان قاضی واقعه در بلوک نواحی دو خمس از یک‌دانگ و سه ربع از دو دانگ از کل شش‌دانگ ۳- حقایق رودخانه قدمگاه خضرع با مزارع متعلقه به آن ۴- کرپان سادات واقعه در بلوک نواحی یک خمس از یک خمس و نیم از کل شش‌دانگ بعد از وضع ثمن به انضمام حصه مرحومه والده‌اش که آن نیز یک سهم از ده سهم از یک خمس از کل شش‌دانگ است. ۵- قریه تاریکی با حقایق رودخانه خمس از یک‌دانگ از کل شش‌دانگ با جمیع ملحقات و منضعات ۶- مزرعه باکرمجله که ثلث از یک‌دانگ از کل شش‌دانگ و یک سهم از ده سهم از یک‌دانگ از کل شش‌دانگ که از مرحومه والده واقف معظم‌الیه منتقل شده بود خمس آن به طریق مزبور وقف است. به انضمام یک سهم از نه سهم از دو دان مزرعه باکرمجله که از آقا ابوطالب خریده است. ۷- قریه دودانگه در استرآباد رستاق دو خمس از سه دانگ و یک ربع از کل شش‌دانگ، به انضمام حقایق رودخانه و مجری‌المیاه آن با جمیع متعلقات و منضعات قریه مزبوره ۸- قریه تیمورمجله دو خمس از دو دانگ از سه دانگ از کل شش‌دانگ با انضمام حقایق قریه مزبوره که از قدیم‌الایام در دودانگه زرع می‌شود با جمیع متعلقات و منضعات ۹- چهاردانگ از کل شش‌دانگ قریه معروفه بکلنگا واقعه در بلوک جلال از رک مازندران با جمیع ملحقات و منضعات از اراضی عامره و غامره و شیوارات و اصطبلخ و حقایق رودخانه عن آن چه ملکیت را سزد و شاید و انتفاع در آن متصور شود. ۱۰- قریه یونس‌آباد واقعه در ولایت بسطام با انضمام سه شبانه روز از بیست شبانه روز از حقایق قریه مزبوره ۱۱- قنات یونس‌آباد با مزارع آن که در قبالة نوشته شده است که عبارت از هشتاد خروار بزرافشان زمین است. ۱۲- دوازده برن آب از رودخانه جلالی و عین‌الحسنی با مجری‌المیاه متعلقه به آن

موقوف علیهم: مشترک بین اولاد و طلاب مدرسه و تعزیه متولی: علی محمد (نوه واقف) و با اولاد اولاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و پس از انقراض اولاد ذکور علی محمد، با اولاد ذکوری که از اناث حاصل شود و بعد انقراض آن‌ها، تولیت با اولاد برادر واقف (محمدحسین) بوده باشد و بعد انقراض آن‌ها، تولیت با اولاد همشیره واقف بوده و بعد انقراض آن‌ها، با اعلم مدرسه حسینه است. حق التولیه: یک ششم (سدس) منافع حاصل از موقوفات

املاک و اعیان موقوفه

املاک و اعیان موقوفه‌ی مندرج در این وقفنامه به طور کل عبارتند از: خانه مسکونه واقف و بخش‌هایی از سهام برخی روستاها و اراضی موجود در ایالت استرآباد، مازندران و بسطام و ملحقات و منضمات و توابع آنها و همچنین تعدادی از قنات‌ها و رودخانه‌ها و مجاری آب و کتاب‌های عربی واقف و...

املاک مذکور یا حسب‌الارث از والد یا والده واقف به او منتقل شرعی شده، یا واقف آن‌ها را خریداری کرده و یا برادر واقف (آقا محمدحسین شیخ‌الاسلام) آن‌ها را از طریق شرعی به تملک و تصرف خود درآورده است. همانطور که در متن وقفنامه در ضمن برشمردن اعیان موقوفه، به وجود مدارک و قباله‌های مجزای املاک اشاره شده، مانند: «موافق قباله خریده است» (سطر ۱۴۴) یا «به موجب قباله معتبره» (سطور ۱۵۶-۱۵۵) و یا «به موافق قباله‌نامه‌چه معتبره که در دست است» (سطور ۱۰۹-۱۰۶)، در بین اسناد تاریخی استرآباد نیز برخی از اسناد مربوط به تملک دسته‌ای از این اعیان و همچنین اسنادی دال بر موروثی بودن برخی از املاک وجود دارد. به عنوان مثال در سطور ۱۰۶ تا ۱۰۹ وقفنامه می‌خوانیم: «قنات کیاب واقعه در قریه کلاجان قاضی ... واقف معظم‌الیه دام توفیقانه انتیاع نمود به موافق قباله‌نامه‌چه معتبره که در دست است ...» متن این سند در صفحه ۵۶۶، جلد ۷ کتاب از آستارا تا استارآباد آمده، سند مذکور مبیاعه‌نامه‌چه‌ای است مورخ شوال ۱۲۴۱، یعنی یک سال قبل از تنظیم متن وقفنامه، این مبیاعه صورت گرفته است.

ویژگی‌های وقفنامه

این وقفنامه از جنبه‌های مطالعاتی و پژوهشی در حوزه‌های متعددی دارای ارزش است، در اینجا به پاره‌ای از این ویژگی‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱. مدیریت منابع مالی حاصل از موقوفات

در این سند با جزئیات بسیاری برای مصرف منافع حاصل از موقوفات مربوط به اقسام پنج‌گانه تصمیم‌گیری شده است. ضوابطی خاص تعیین شده که هر بخشی از منافع موقوفات پنج‌گانه در طول زمان، چه در زمان حیات واقف و چه پس از آن، به چه طریقی، با مدیریت چه کسی هزینه شده و صرف چه اقداماتی بشود. این امر علاوه بر مدیریت صحیح منابع مالی و منافع موقوفات، شیوه صحیحی برای مدیریت موقوفات و در نتیجه نگهداری صحیح از آنها، مثل زمین زراعی، قنات، ملیارستان و ... بوده است. چرا که به منظور کسب منافع از موقوفات، در جهت مصرف برای موقوف‌علیهم، باید این موقوفات را حفظ کرده و نیز به آنها رسیدگی کرد. در جایی از متن سند (سطر ۶۷) به تعمیر و نگهداری از موقوفات نیز اشاره شده و بخشی از منافع حاصله به امر مزبور اختصاص یافته است، که این چرخه اقتصادی سبب پایداری سازمان شکل گرفته توسط واقف، در گذر زمان بوده است. موضوعی که در وقف‌نامه‌های قدیمی‌تر موجود در استرآباد، کمتر به آن توجه شده و چه بسا منجر به عدم پایداری مدارس یا بناهای عام‌المنفعه وقفی بوده است؛ از جمله مواردی که واقف در راستای مدیریت منابع مالی و به منظور حصول تداوم کارکرد مدرسه و عدم بروز مشکلات در جهت نگهداری از آن، به آنها پرداخته، عبارتند از: تعیین حق تولیت، تعیین حقوق طلاب و محصلین، تعیین حقوق قاری، تعیین حقوق و شرح وظایف خادم مدرسه، تعیین مخارج تعمیر و نگهداری بنای مدرسه، تعیین مخارج تعمیر و نگهداری موقوفات و ...

به عنوان مثال در تعیین حقوق طلاب و شرایط آنان، بدون اشاره به مبلغ، در سطرهای ۵۸ تا ۶۲ آمده است: «طلبی که بیتوته می‌نمایند روغن چراغ دنبه آن را متولی از موقوفات باید کارسازی نماید و فقرای طلبه که طلاب و مدرس تصدیق بر فقرش کنند مساوی سهم دو نفر یکنفر متولی کارسازی نماید و طلبه درس خوان مادامی که شرح جامی را شروع نکرده و ماتحت را نگذرانده مستحق اخذ وظیفه نخواهد بود و سایر طلاب جوان کسانی که فقیراند از اشارات-سخوان و شرح جامی خوان در اخذ وظیفه مساوی می‌باشند.»

و یا در تعیین حقوق و شرایط و شرح وظایف قاری در سطرهای ۷۳ تا ۸۰ می‌نویسد: «قاری که به صفت تقوی و ورع موصوف باشد و قرائتش صحیح باشد اجیر نموده، قرار بدهند که روزی سه جزو در سه وقت صبح و ظهر و شام در سر قبر این غریق بحر عصیان تلاوت نموده ... و هر شب از اول مغرب تا دو ساعت بعد از آن روشنائی در مزار مزبور استمراراً برقرار باید بوده باشد و قاری مذکور به ازاء شغل مسطور یک تومان به جهت روغن روشنائی و چهار تومان رایج که چهل ریال [و] یک مثقال و نیم صاحبقرانی جدید فتحعلی‌شاهی از متولی از مداخل موقوفات باز یافت نماید.»

۲. مدیریت مدرسه

لازم به ذکر است که شروط و قیودی که در زیر می‌آید مسلماً محصول تجربیات آقای میرمحسن (واقف) در زمان تصدی تولیت مدرسه‌ی مفیدیه است.

۱-۲- نگهداری و نظافت و حفاظت روزمره مدرسه: در سطرهای ۶۸ تا ۷۰ وقفنامه می‌نویسند: «چون هر مدرسه را لازم است از خادمی، بر متولی است که خادم مقین خوبی تحصیل نموده قرار بدهد که هر روزه مدرسه را از دورن و بیرون و راهروهای مدرسه را جاروب کرده خاک‌روبه آنرا خارج نماید و هر روز سه مرتبه صبح و ظهر و شام نهر مدرسه را که از سامان خانه آقا حاجی جاری است پاک نموده کثافات آنرا بیرون نماید.»

۲-۲- تدوین ضوابط و تعیین شرایط بهره‌برداری از فضاهای گوناگون مدرسه توسط طلاب: در این باب در سطر ۷۱ وقفنامه نوشته: «حضرات طلاب به جهت طبخ و غیره در حجرات مدرسه هیزم نسوزانند و به جهت طبخ در مطبخ متعلق به مدرسه رفته طبخ نمایند.»

۳-۲- مرمت بنای مدرسه: در متن وقفنامه، علاوه بر تعیین محل تأمین مخارج تعمیر و نگهداری بنای مدرسه، به نحوه مذاکرات نیز اشاره شده است. نکته جالب توجه در این سند، تأکید واقف بر نگهداری عمارت به وضع اولیه آن می‌باشد. در سطرهای ۶۳ تا ۶۶ در این باره توضیحاتی آورده شده: «محصول منافع موقوفات را متولی اولاً اخراجات تعمیر ضروریه عمارت مدرسه نموده هرگاه خدا نخواست اخراجات کلیه باشد سال به سال جمع کرده، خرابی محل را به عمارت آورده به طریق اول عمارت نماید و مادام که خرابی تمام شود، به وجهی از وجوه مذاخل موقوفه را به مصرف دیگر نرساند تا آن‌شاه‌اله تعالی به سرحد آبادی اول برسد.»

۴-۲- تعیین معیارهایی جهت تعیین صلاحیت طلاب و محصلین مدرسه:

در این زمینه نیز در سند ضوابطی توسط واقف ارائه شده است از آن جمله در سطرهای ۵۵ تا ۵۷ آمده است: «اولاً اینکه سوای طلبه که شغل و شیوه او منحصر به تحصیل باشد تمکن او در مدرسه ممنوع است و بطالین چندی را که کتاب زیر بغل آلت کار و واسطه خوش گذرانی قرار داده‌اند آن‌ها را در آن‌جا راهی نیست.» این عبارات علاوه بر روشن شدن شیوه‌های مدیریتی مدرسه، بیانگر یکی از مشکلات و معضلات رایج در مدارس بوده است.

۵-۲- تعیین ظرفیت اقامتی هر حجره و مدت زمان سکونت و تحصیل طلاب در مدرسه:

واقف در باب ظرفیت اقامت طلاب در هر حجره؛ تعداد حداقلی را تعیین کرده، افزایش تعداد طلاب در هر حجره را به عهده و توافق خود طلاب واگذار نموده و در این باب اختیار را از متولی

سلب کرده است. چنانکه در سطر ۵۷ آورده: «از آن طلبه موصوف هر حجره سه نفر منزل نمایند، زیاده بر آن مختار طلبه خواهند بود نه متولی». در باب مدت زمان سکونت طلاب در مدرسه نیز در سطر ۷۲ آمده است: «طلاب حجرات را زیاده از یک ماه و چهل روز بیشتر معطل نکنند. اگر زیاده باشد، متولی را می‌رسد که تغییر داده باشد.»

۳. اطلاعات معماری و شهرسازی و مطالعات شهری - منطقه‌ای

اطلاعات مندرج در این وقفنامه در کنار اسناد مربوط به برخی از موقوفات نام برده در متن، مانند اسناد مربوط به حمام کاسه گران، دکان‌های وقفی بازار کهنه و ... تصویر روشنی از استرآباد در یک دوره‌ی تاریخی ایجاد می‌کند.

۱-۳- آشنایی با بخش‌هایی از بازار کهنه استرآباد که از بین رفته و در سند به موقعیت آن‌ها اشاره شده است: آنچه از متن این سند برمی‌آید آن است که واقف به طور شخصی و اشتراکی، در مجموع بیست و پنج باب مغازه در بخشی از بازار کهنه احداث کرده است. چنانکه یازده باب دکان را به اشتراک با محمدقلی میرزا ملک‌آرا احداث نموده و به موقعیت مکانی آن‌ها اشاره نموده است، با بررسی موقعیت آن‌ها در عکس هوایی سال ۳۵ گرگان و گفتگو با متولیان این موقوفات، بخشی - هایی از راسته بازار کهنه قابل شناسایی خواهد بود. وی در مورد مکان این یازده باب دکان در سطرهای ۴۰ و ۴۱ می‌نویسد: «دکاکین مزبوره دکان‌هایی است که اول ساخته شده، روی به مغرب، مقابل تیمچه و دکان‌های تیمچه است و منتهی می‌شود به دکان‌های موقوفه مرحوم مغفور جدی المبرور ...» همچنین اشاره دارد به احداث ده باب دکان که بر روی زمین گنداب حمام کاسه‌گران احداث نموده و مکان و چگونگی احداث آن‌ها را نیز قید کرده است. (سطرهای ۴۳ تا ۵۰ و وقفنامه) واقف در بیان داستان ساخت این ده باب دکان، به مشکلاتی که با مالکان حمام کاسه‌گران پیدا کرده اشاره می‌کند. از اطلاعات مهمی که در این متن در مورد این ده باب دکان به دست می‌آید این است که در سطر ۴۸ می‌گوید: دکاکین خود را در شارع متسعه قرار دادم»، این جمله تصویری از فضای قرارگیری این ده باب دکان و عرصه‌ی وسیع جلوی آن‌ها ایجاد می‌کند. و در ادامه به ساخت چهار باب دکان بر روی مستراح مدرسه اشاره می‌کند که تا زمان نگارش وقفنامه هنوز ساخت آن به اتمام نرسیده بوده است. (سطرهای ۵۱ تا ۵۳)

۲-۳- بنای مدرسه محسنیه: در مورد بنای مدرسه نیز اشاره به اطلاعاتی از قبیل وجود مطبخ، مکان پیش‌بینی شده برای مقبره‌ی واقف، چهار باب دکان متصل به یکی از جداره‌های آن (که بر اساس پژوهش‌های تکمیلی، این دکان‌ها در جداره‌ی غربی مدرسه بوده‌اند)، احداث مستراح در زیر هر یک

از مغازه‌ها و حفر چاه مجزا و مستقل برای هر یک از مستراح‌ها، استفاده از نام عناصری چون؛ حجره، راه رو، نهر و ...

۳-۳- حمام کاسه‌گران: متن این سند اطلاعاتی در باب حمام کاسه‌گران و حریم آن و تعمیر منجلاب و مجرای آن نیز، در یک دوره‌ی تاریخی به دست می‌دهد.

۳-۴- ساختار معماری قنات‌ها: در باب ساختار معماری قنات‌ها هم اطلاعات اندکی وجود دارد. چنانکه در سطرهای ۱۱۸-۱۱۷ در توصیف قنات عوضعلی در قریه سرکلانه می‌نویسد: «... که قنات مزبور مشتمل است بر شعب و پیشان چندی که مجرای آنها یکی و در معنی یک رشته می‌شمارند...»

۴. شناسایی منابع آب

۱-۴- تعیین میزان پراکندگی قنات‌ها و رودخانه‌ها در بخشی از ایالت استرآباد.

۲-۴- نحوه تملک بر قنات‌ها، رودخانه‌ها و مجاری آب (حق الارض و حق الحفر)

۳-۴- اشاره به حفر و تعمیر چند قنات

۴-۴- نحوه شراکت و تقسیم سهام قنات‌ها

۵-۴- تطبیق نام قدیم و جدید قنات‌ها و رودخانه‌ها

۱. مدرسه محسنیه

۲. خانه واقف

۳. بقایای راسته بازار کهنه (مغازه‌های

طرف شرقی راسته بازار همان دکان‌های

موقوفه مذکور در وقف‌نامه هستند).

۴. منجلاب حمام کاسه‌گران

۵. مسجد گلشن

۶. حمام کاسه‌گران



جانمایی برخی عناصر نام برده شده،

در وقف‌نامه در عکس هوایی گرگان

در سال ۱۳۳۶ شمسی

مانند:
پایگانی مرکز اسناد موسسه فرهنگی
میرداماد؛ بازخوانی، نگارنده

منی‌دانا

[متن وقفنامه آقامیر محمد محسن موسوی مفیدی استرآبادی مورخ ۱۲۴۲ق]

نحمد و نصلی و بعد

باعث بر ترقیم این ارقام صدق ارتسام آن است که چون سلسله ازلیت و بقاء مربوط بذات مقدس بی‌همتا (۱) و رشته ابدیت منوط به وجود اقدس واجب‌الوجود خالق ارض و سما و باقی کائنات در شرف فنا و زوال‌اند (۲) لهذا این بنده عاصی و غریق بحر معاصی محمد محسن الموسوی الاسترآبادی به جهت تخفیف خطیای و تقلیل سیآت به مفاد الغریق (۳) یتشیت بکلّ حشیش، قربه الی اله تعالی و طلباً لمرضاة از اخص مال و مباح‌ترین اموال خود احداث (۴) مدرسه نمود که طالبان علوم دینی و محصلان معارف یقینیه در آن متمکن گردیده به تحصیل اشتغال نمایند (۵) و همچنین نظر به احادیث مأثورّه؛ صدقه بر اولاد و اعقاب از اقرب قربات و احسن ثنویات است بناء علی هذا (۶) وقف صحیح شرعی مؤید و حبس صریح اسلامی مخلد نمودم شردمه‌ای از ضیاع و عقار و املاک و مستقالات خود را که (۷) عمر عزیز را صرف تحصیل آن‌ها کرده و در مدت زندگانی به نهج شرعی و طریقه اسلامی به تصرف و تملک درآورده، بر طلاب (۸) و محصلین ساکنین مدرسه مزبوره و تعزیه جناب سیدالشهداء و اولاد موجودی و سیوجد خود بطناً بعد بطن (۹) و نسلأ بعد نسل که از جمله آن‌ها فرزندی علی محمد ولد مرحوم میرور فرزند مسعودم ابوتراب سقی‌اله ثراه جعل الجنه مئواه است (۱۰) چون بعضی از موقوفات مختص به فرزند مذکور مشارالیه و بعضی مشترک بین فرزندی و سایر اولاد (۱۱) و برخی مختص به طلاب و تعزیه و بعضی مشترک بین اولاد و طلاب و تعزیه و بعضی مختص تعزیه و در ضمن عقد وقف مدرسه (۱۲) قیودات و شروطات چندی بود که اظهار آن‌ها لازم می‌نمود ازین جهت به جهت هریک از موقوفات تفصیلی علیحده (۱۳) مرقوم و حقیقت هریک را مفصلاً مسطور نمودم که هنگام رجوع به سهولت استفاده نمایند و تولیت اعیان موقوفه (۱۴) که در این چند صباح خود به قید حیات است با اقل عباد است و حق التولیه را به مقتضای رای خود (۱۵) مقرر داشته و بعد از وفات با فرزندی علی محمد و اولاد ذکوری اگر خدا خواهد ازین بی‌وجود به وجود آید (۱۶) سلس از منافع موقوفات کلاً و طراً از مدرسه و غیره حق التولیه خواهد بود و بعد از انقراض (۱۷) العیاذ بالله اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود و در زمان فقد ذکور بر حسب الجاء و اضطرار به عاریت اناث (۱۸) میباشند خواهند بود و بعد مشارالیهما بر اولاد ذکور ایشان و با تعدد ذکور، اکبر و ارشد و اصلح متولی خواهد بود و در مرتبه تولیت (۱۹) ذکور اولاد اناث اگر ذکور مذکور از برادر باشد اولی و احق خواهد بود و هر یک از موقوف علیهم که در قیدی (۲۰) از قیود یا در حکمی از احکام تغییر و تجزیات ننمایند از

جناب رب الارباب مستدعی چنانم از عمر و مال و مرحمت خدای متعال (۲۱) بر خورداری یابند و موقوفات مسطوره بر پنج قسم به نهجی است که در این جا اجمالاً ایمانی شده و مفصلاً آنرا انشاءاله تعالی (۲۲) مشروح خواهد داشت:

یکی از اقسام خمس موقوفاتی است که مختص به فرزندی علی محمد و اولاد ذکوری که اگر احیاناً ازین بی وجود به وجود آید و بر اولاد ایشان نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و بعد از انقراض العیاذ بالله بر طلاب مدرسه مزبوره و آن خانه و اوطاق و طویله و مایه‌تعلق بهم است. (۲۳) از این که در حیات فرزند مرحوم مسعود ابوتراب طاب الله ثراه در ظاهر و باطن و پنهان و آشکارا می گفتم که هبه به او نموده‌ام (۲۴) و در واقع به عقدی از عقود شرعیه منتقل نموده بودم اما مقصود اختصاص به مرحوم مزبور بود آن سعادتمند فرزند که از همه لذات (۲۵) دنیوی محروم و در غربت به اجل محتوم طومار عمرش مختوم شد نخواستیم که بعد از وفات جز اولاد او مدخلیتی در آن سهم برساند (۲۶) لهذا وقف نمودم خانه و اوطاق مسکونه خود را با طویله و سایر ملحقات و منضات آن‌ها بر فرزند مرحوم میرور [مزبور] علی محمد (۲۷) طولاله تعالی عمره و بر اولاد ذکوری که اگر احیاناً ازین روسیاه بعد از این از تفضلات سبحانی به وجود آید و بر اولاد اولاد ایشان (۲۸) ما تعاقبوا و تناسلوا بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل الی ان یرثاله الارض و من علیها و پس از انقراض العیاذ بالله (۲۹) بر طلاب و محصلین مدرسه مزبوره که به طریق سایر موقوفات مدرسه خرج و صرف نمایند. مخفی نماناد که خانه آقائی علاقه‌بند که (۳۰) خارج از خانه مزبوره بوده اقل عباد از ورثه آقائی خرید و داخل خانه نموده و از خانه موروثی خمس رسد همشیره است که انتقال (۳۱) بوالده فرزند مرحوم گردیده که خانه موروثی بارفروش با همشیره بیع و شری گردید اعیانی عمارات سوای عمارت سردر تمامی را (۳۲) اقل عباد از مال و رجال خود ساخته است تا واضح بوده باشد. (۳۳) یکی از اقسام خمس موقوفاتی است که مختص به طلاب مدرسه و تعزیه جناب سیدالشهداء و جزئیات دیگر که (۳۴) قرائت و کتابت باشد و درو از آن جمله یازده باب دوکانی است که به شراکت نواب مستطاب سپهر جناب گردون آفتاب (۳۵) شاهزاده اعظم محمدقلی میرزا ادامه‌الله تعالی بقائه از قرار چهاردانگ و دو دانگ ساخته‌ام به این معنی که چهاردانگ با کمترین (۳۶) و دو دانگ با سرکار ایشان در چشمه‌علی به نواب معظم‌الیه عرض و استدعا شده به جهت وقیعت دکاکین مزبوره به طیب نفس قبول (۳۷) فرمودند که وقف نمایم، کمترین شش دانگ را تمام و کمال وقف نمودم و متولی فرزندی علی محمد و بعد از او اولادش (۳۸) ذکورا کان ام انائاً و بعد از انقراض العیاذ بالله بر اولاد ذکوری که از اولاد اناث حاصل شود و سدس از منافع (۳۹) حق التولیه است و دکاکین مزبوره

دکان‌هایی است که اول ساخته شده روی به مغرب مقابل تیمچه و دکان‌های تیمچه است (۴۰) و متاهی می‌شود به دکان‌های موقوفه مرحوم مغفور جدی المبرور طاب ثراه و جعل الجنة مثواه (۴۱) ایضا از اقسام خمسسه موقوفاتی است که مختص به طلاب مدرسه و تعزیه جناب سیدالشهداء و کتابت و قرائت (۴۲) باشد از آن جمله ده باب دکان سمت شرقی که متصل است به دکاکین مزبوره فوق که مختص به اقل عباد است (۴۳) چون با مالکان حمام کاسه‌گران مصالحه شرعیه کرده بودم که مجرای منجلاب حمام مزبور را تعمیر نموده، در فوق (۴۴) آن دکان بنا نمایم از قراریکه جایی که چهاردانگ با اقل عباد و دو دانگ با مالکان چون بعد از ساختن منجلاب (۴۵) و تعمیر مجرای آن که مبلغ‌های کلی اخراجات کرده بودم طورها دیدم و اطوارها و حرف‌ها شنیدم که با آنها (۴۶) و عدم احتیاج به زمین فوق مجرای منجلاب مزبور قطع نظر از آن نموده منتظر بودم که اگر احدی از مالکان کاسه طمعش (۴۷) به حرکت آید بروفق شریعت او را مجاب نماید و دکاکین خود را در شارع متسعه قرار دادم و زمین مزبور را (۴۸) از مجتهدین کربلای معلی اجازه شرعیه نمودم دکاکین مزبور تمام و کمال متعلق به اقل عباد که همه را به شروط مفصله فوق (۴۹) وقف مدرسه نمودم که سایر ورثه را حقی نیست تا واضح بوده باشد. (۵۰)

ایضا از جمله اقسام خمسسه مختص به مدرسه چهار باب دکاکین است که در جنب خلای مدرسه احداث کرده (۵۱) که هنوز به انجام نرسیده اکثری از آلات و اسباب آن سرانجام و بعضی تعمیر نیافته لکن (۹) ان‌شاه‌الله تعالی در شرف (۵۲) تعمیر است که در جوف هر یک چاهی قرار داده که به جهت خلای مدرسه حفر شود تا واضح باشد. (۵۳)

چون در ضمن عقد وقف مدرسه بعضی قیودات و شروطت شده بود لازم بود که ایمانی به آنها نموده شود (۵۴) لهدذا بعضی از آنها را اجمالاً به معرض شرح و بیان در می‌آورد اول این‌که سواى طلبه که شغل و شیوه او منحصر (۵۵) به تحصیل باشد تمکن او در مدرسه ممنوع است و بطلبین چندی را که کتاب زیر بغل آلت کار و واسطه خوش (۵۶) گذرانی قرار داده‌اند آنها را در آن‌جا راهی نیست و از آن طلبه موصوف هر حجره سه نفر منزل نمایند (۵۷) زیاده بر آن مختار طلبه خواهند بود نه متولی و طلبی که بیتوته می‌نمایند روغن - چراغ - دنبه آن‌را (۵۸) متولی از موقوفات باید کارسازی نماید و فقرای طلبه که طلاب و مدرس تصدیق بر فقرش کنند (۵۹) مساوی سهم دو نفر یکتفر متولی کارسازی نماید و طلبه درس خوان مادامی که شرح جامی را (۶۰) شروع نکرده و ماتحت را نگذرانده مستحق اخذ وظیفه نخواهد بود و سایر طلاب جوان (۶۱) کسانی که فقیرند از اشارات خوان و شرح جامی خوان در اخذ وظیفه مساوی می‌باشند (۶۲) تفاوتی به جهت ایشان

لازم نیست و محصول منافع موقوفات را متولی اولاً اخراجات (۶۳) تعمیر ضروریه عمارت مدرسه نموده هرگاه خدا نخواستہ اخراجات کلیه باشد سال به سال (۶۴) جمع کرده خرابی محل را به عمارت آورده به طریق اول عمارت نماید و مادام که خرابی تمام شود (۶۵) به وجهی از وجوه مداخل موقوفه را به مصرف دیگر نرساند تا ان شاء اله تعالی به سرحد آبادی اول برسد (۶۶) و سایر موقوفات را نیز مرمت نماید و املاک موقوفه را اگر اخراجاتی حادث شود نموده باشد (۶۷) چون هر مدرسه را لازم است از خادمی، بر متولی است که خادم مقین خوبی تحصیل نموده (۶۸) قرار بدهد که هر روزه مدرسه را از دُورن و بیرون و راهروهای مدرسه را جاروب کرده (۶۹) خاک‌روبه آنرا خارج نماید و هر روز سه مرتبه صبح و ظهر و شام نهر مدرسه را که از سامان خانه آقا حاجی جاری است (۷۰) پاک نموده کثافات آنرا بیرون نماید و حضرات طلاب به جهت طبخ و غیره در حجرات مدرسه هیزم (۷۱) نسوزانند و به جهت طبخ در مطبخ متعلق به مدرسه رفته طبخ نمایند و طلاب حجرات را زیاده از یک ماه (۷۲) و چهل روز بیشتر معطل نکنند اگر زیاده باشد متولی را می‌رسد که تغییر داده باشد. قاری که به صفت (۷۳) تقوی و ورع موصوف باشد و قرائتش صحیح باشد اجیر نموده قرار بدهند که روزی سه جزو در سه وقت (۷۴) صبح و ظهر و شام در سر قبر این غریق بحر عصبان تلاوت نموده و در شب‌های معینه سوره مبارکه (۷۵) یس و الرحمن و سوره جمعه را بعد از تعشی در هر جا که منزل و مکان اوست زیاده بر سه جزو تلاوت نموده (۷۶) روح حقیر را به فاتحه یاد و شاد نماید و هر شب از اول مغرب تا دو ساعت بعد از آن روشنائی (۷۷) در مزار مزبور استمراراً برقرار باید بوده باشد و قاری مذکور به ازاء شغل مسطور یک تومان به جهت روغن روشنائی (۷۸) و چهار تومان رایج که چهل ریال [و] یک مثقال و نیم صاحبقرانی جدید فتنعلی شاهی از متولی از مداخل موقوفات (۷۹) بازیافت نماید و متولی باید اول وجهی که به وصول برساند و به مصرف اخراجات مقررہ رساند باید این فقیر را بداند (۸۰) و قاری را معطل نکند که خلاف آن ظلمی است که به این روسیاه کرده خواهد بود چون در فوق (۸۱) ایمانی شده بود که به جهت هر یک از موقوفات و مصارف آن‌ها تفصیلی که دستورالعمل (۸۲) بوده باشد مرقوم شود بناء علی هذا اهم مطالب با متولی امر مدرسه و طلاب است چون امر تولیت (۸۳) مفوض به فرزندی علی محمد و بر اولاد اولاد او بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل و پس از انقراض (۸۴) العیاذبالله بر اولاد ذکور که از اناث حاصل شود به طریقی که در فوق نگارش شده است و بعد انقراضهم (۸۵) نعوذبالله تولیت با اولاد اخوی محمد-حسین بوده باشد و بعد انقراضهم العیاذبالله تولیت با اولاد همشیره (۸۶) اقل عباد بوده و بعد انقراضهم العیاذبالله با اعلم مدرسه مزبوره بوده به

طریق مسطور عمل نماید و سدس (۸۷) منافع موقوفات از بابت حق التولیه متعلق به متولی می‌باشد چون در این جزء از زمان فرزندی علی محمد (۸۹) در صغر سن بوده امر تولیت مفوض به اخوی محمدحسین می‌باشد که حق التولیه را به فرزندی علی محمد بالاشتراک (۹۰) به مصرف خودشان برسانند و بعد عمره الطبیعی ان‌شاء الله تعالی به علی محمد بالاختصاص بوده به طریقی که مرقوم (۹۱) شده معمول گردد و واقف موفق دام توفیقاته بعد از اخذ وجه تعزیه و حق قاری و حق التولیه (۹۲) عشر منافع حق التدریس بوده که اگر مدرس متعدد بوده باشد بالمساوات فیما بین خود (۹۳) تقسیم نمایند اگر یک نفر هم بوده باشد عشر تعلق بهمان یک نفر دارد و از سهم طلاب مدرس را (۹۴) سهمی نیست و صیغ وقف کما قرر فی الشریعه المقدسه بالعربیه و الفارسیه سمت وقوع (۹۵) و جریان پذیرفت چون بندگان خدایگان آقائی اخوی‌ام در کمال سداد رأی و شعور املاک را به طریق (۹۶) مسطور وقف نموده و وقفنامه‌چه در دو صفحه [و] نیم اول به خط مبارک نوشته انواع اقسام (۹۷) اسقام به جناب واقف معظم‌الیه روی داده که از نوشتن آن عاجز، مقرر فرمودند به اقل خلیقه (۹۸) و راقم نمیکه که در اتمام آن پرداخته به تفصیل املاک موقوفه نگارش نمایم تفصیل به موجب تفصیل است (۹۹)

تفصیل (۱۰۰)

[از اقسام خمسسه] املاک موقوفات مشترکه فیما بین اولاد و اعقاب واقف معظم‌الیه با طلاب مدرسه است (۱۰۱)

از آن جمله قریه کلاجان قاضی هفده سهم از بیست سهم از نود سهم از کل شش‌دانگ مفروز شده (۱۰۲) و در خارج مشخص و معین است با انضمام یک باب آبدنگ و ملیارستان و توتستان عن آن چه (۱۰۳) ملکیت را سزد و شاید با مجری المیاه متعلقه به آن که از رودخانه شصت کلاته منشعب می‌شود و همگی (۱۰۴) و تمامی پنج‌دانگ کامل حق الحفر یک رشته قنات موسومه به فیض آباد که واقع است در قریه مزبور که خود (۱۰۵) واقف معظم حفر و تعمیر نموده به انضمام هفده سهم از نود سهم از یکدانگ حق الارض ... (۱۰۶) قنات کیاب واقع در قریه کلاجان قاضی که یکدانگ از آقارحیم ارباب از بابت حق الحفر (۱۰۷) واقف معظم‌الیه دام توفیقاته ابتیاع نموده بود به انضمام نیم دانگ حق الحفر که از مهرعلیخان (۱۰۸) دولو واقف معزی‌الیه مدظله ابتیاع نمود به موافق قباله‌نامه‌چه معتبره که در دست است کلاً و طراً (۱۰۹) یک دانگ [و] نیم از حق الحفر است و هفده سهم از نود سهم از دو دانگ حق الارض (۱۱۰) قنات سنگ کاریز که از ملک مختص به خود واقعت در مزرعه سنگ دیک کلاجان (۱۱۱) جدید شش دانگ بالتمام و همچنین هفده سهم از نود سهم از دو

مزرعه [و] نیم آب شصت کلاته (۱۱۲) که حقایق قریه کلاجان است که در فوق هم اشاره شده بود. ایض قنات افران که سه دانگ آن را (۱۱۳) از آخوند ملاکاظم و یکدانگ آن را از صبیبه مرحوم آقا عبدالله قاضی خریدهام و حق الارض (۱۱۴) تعلق به حقیر داشته مجددا تعمیر و حفر نموده باالتمام قنات مشهوره به قنات عوضعلی (۱۱۵) که واقع است در قریه سرکلاته که به مبیاعه شرعیه خریدهام و با واقم حروف محمدحسین (۱۱۶) و آقا رحیم شریک می باشد که قنات مزبور مشتمل است بر شعب و پیشان چندی که مجرای (۱۱۷) آن‌ها یکی و در معنی یک رشته می شمارند دو دانگ و نیم از شش دانگ که مبالغ کلی خریدهام (۱۱۸) و اخراجات کلی نمودهام قنات واقعه در بانعمان که از میرزا محمدرضا و حاجی مهر (۱۱۹) احمد خریدهام به مبلغ یکصد تومان می باید در قریه مزبوره زرع شده ربع محصول از بابت حق-الارض را (۱۲۰) حضرات انصاری که موقوف علیهم می باشند به طریقی که حال معمول و متعارف است (۱۲۱) بگیرند یا اگر یکدانگ و نیم حق الارض را به چهار خروار [و] بیست من شالی بوزن بلده که اجاره (۱۲۲) به حقیر داده اند بدهند که در قریه لرخیل برده زراعت نمایند چون که رعایای لرخیل (۱۲۳) از قدیم-الایام آکاره ما و پدران ما بوده اند و قنات لرخیل کلا که حق الحفر آن‌ها متعلق به ایشان (۱۲۴) بود رعایای مزبور زراعت می نمودند در این ایام بالمره خراب شده رعایای مزبور معطل مانده (۱۲۵) بودند قنات مزبور را حقیر به جهت آن‌ها خریداری کرده ام که زراعت نمایند چهاردانگ [و] نیم (۱۲۶) از شش دانگ حق الحفر قنات چشمه واقعه در بهلول آباد که وقف مدرسه و اموات (۱۲۷) که نیمدانگ حصه مرحومه والده واقف معظم‌الیه است دو خمس از نیمدانگ و یکدانگ (۱۲۸) که از اولاد مرحوم آقا رضا، واقف معظم‌الیه خریده است هفت سهم تقسیم می شد (۱۲۹) پنج سهم تعلق به واقف معظم‌الیه دارد که از جمله موقوفات مشترکه است و دو سهم مال والده (۱۳۰) مرحوم جنت آرامگاه ابوتراب می باشد که خارج از وقف تعلق به مشارالیها دارد. [ایض] قنات پای چنار (۱۳۱) و میانده ایضا واقعه در بهلول آباد که حسب الارث از والد مرحوم منتقل شده دو خمس (۱۳۲) از دو دانگ از چهار دانگ حق الحفر است. [ایض] مزرعه علی کرد با قنات مخروبه آن که دو سهم (۱۳۳) از پنج سهم از سه دانگ از کل ششدانگ تعلق به واقف معظم‌الیه دارد و از قنات مخروبه دو سهم (۱۳۴) از پنج سهم از دو دانگ متعلق به واقف معظم‌الیه می باشد به طریق سایر موقوفات مشترکه است (۱۳۵) [از اقسام خمسسه] از جمله موقوفات مشترکه بین اولاد و طلاب و تعزیه [ایض] کریان قاضی واقعه در [بلوک] نواحی دو خمس از یکدانگ و (۱۳۶) سه ربع از دو دانگ از کل ششدانگ که از والده مرحومه انتقال شرعی به واقف معظم‌الیه یافته (۱۳۷) با حقایق رودخانه قدمگاه خضر علیه السلام با مزارع متعلقه به

آن که در خارج مشخص است به طریق سایر (۱۳۸) موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه مشترک است [ایض] کرپان سادات واقعه در [بلوک] نواحی یک خمس (۱۳۹) از یک خمس [و] نیم از کل ششدانگ بعد از وضع ثمن که از والد مرحوم انتقال شرعی به واقف معظم‌الیه (۱۴۰) یافته با انضمام حصه مرحومه والدهاش که آن نیز یک سهم از ده سهم از یک خمس از کل ششدانگ است (۱۴۱) [ایض] قریه تاریکی با حقایقه رودخانه خمس از یکدانگ از کل ششدانگ با جمیع ملحقات و منضمات مزرعه باکرمحله (۱۴۲) که ثلث از یکدانگ از کل ششدانگ و یک سهم از ده سهم از یکدانگ از کل ششدانگ که از مرحومه (۱۴۳) والده واقف معظم‌الیه منتقل شده بود خمس آن به طریق مزبور وقف است و همچنین یک سهم از نه سهم (۱۴۴) از دو دانگ مزرعه باکرمحله که از نورچشمی ابوطالب موافق قباله خریده است به طریق سایر موقوفات (۱۴۵) بین طلاب و تعزیه و اولاد مشترک است [ایض] قریه دودانگه در استرآباد رستاق (۱۴۶) دو خمس از سه دانگ و یک ربع از کل ششدانگ قریه مزبوره بانضمام حقایقه رودخانه (۱۴۷) و مجری‌المیاه آن با جمیع متعلقات و منضمات قریه مزبوره ذکر ام لم یذکر سمی ام لم یسم به طریق (۱۴۸) سایر موقوفات است [ایض] قریه تیمورمحله دو خمس از دو دانگ از سه دانگ از کل [ششدانگ] با انضمام حقایقه (۱۴۹) قریه مزبوره که از قدیم‌الایام در دودانگه زرع می‌شود با جمیع متعلقات و منضمات این نیز (۱۵۰) مثل سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه بالاشتراک است و همچنین چهاردانگ (۱۵۱) از کل ششدانگ قریه معروفه بکلنگا واقعه در بلوک جلال از رک مازندران (۱۵۲) با جمیع ملحقات و منضمات از اراضی عامره و غامره و شیوارات و اصطبلخ و حقایقه (۱۵۳) رودخانه عن آن چه ملکیت را سزد و شاید و انتفاع در آن متصور شود مثل سایر موقوفات بین (۱۵۴) اولاد و طلاب و تعزیه بالاشتراک است و همچنین قریه یونس آباد واقعه در ولایت بسطام (۱۵۵) که واقف معظم به موجب یک طغرا قباله معتبره به مبلغ یکهزار و پنجاه تومان وجه رایج سلطانی (۱۵۶) خریداری نموده بود با انضمام سه شبانه روز از بیست شبانه روز از حقایقه قریه مزبوره (۱۵۷) [ایض] قنات یونس آباد با مزارع آن که در قباله نوشته شده است که عبارت از هشتاد (۱۵۸) خروار بزرافشان زمین است این نیز مثل سایر موقوفات بین اولاد و طلاب و تعزیه (۱۵۹) بالاشتراک و ایض دوازده بزن آب از رودخانه جلالی و عین‌الحسنی (۱۶۰) با مجری‌المیاه متعلقه به آن که در ید تملک و تصرف واقف معظم‌الیه بوده به طریق مزبور [و] وقف (۱۶۱) بر اولاد و طلاب و تعزیه بالاشتراک است و صیغ وقف کماقر فی الشریعه المقدسه (۱۶۲) من الواقف الموفق دام توفیقاته بالعربیه و الفارسیه سمت وقوع و جریان پذیرفت (۱۶۳) و کان ذلک فی شهر رجب المرجب من شهر سنه ۱۲۴۲. ۱۲۴۴ (۱۶۴)

وایضاً (۱۶۵)

واقف موفق دام توفیقانه مجموع کتب عربیه خود را که در ید تملک و تصرف (۱۶۶) از نحو و صرف و منطقی و کلام و حدیث و فقه و اصول و هیئت و حساب را (۱۶۷) محضاً لله و خالصاً لوجه الله بر طلاب علوم دینیہ اثنی عشریه مدرسه خود که از بناهای (۱۶۸) معمار همت اوست و تولیت را مفوض نمود به نورچشمی علی محمد طول الله عمره (۱۶۹) و بعده العیاذ بالله امر تولیت به طریق مسطور در فوق است و کتب فارسی

کلاً و طراً (۱۷۰) واقف موفق دام توفیقانه به هبه معوضه و عطیہ منجزه منتقل به فرزندزاده (۱۷۱) خود علی محمد طول الله عمره ساخته و ولایه از جانب فرزندزاده تصرف می نماید (۱۷۲) و صیغتان وقف و هبه کما قرر فی الشریعه المقدسه سمت وقوع [و جریان پذیرفت] (۱۷۳) تحریرا فی دوازدهم شهر رجب المرجب من شهور سنه ۱۲۴۲. ۱۷۴)



[یادداشت‌هایی به تاریخ ۱۲۹۶ و ۱۲۹۸ق در هامش و قفنامه اضافه شده که نشان از افزایش مقدار رقبات موقوفه در سال‌های بعد دارد. همچنین ۱۹ مورد استشهاد نیز در هامش تحریر شده است.]

بخشی از قفنامه آقامحسن شیخ‌الاسلام (بایگانی اداره اوقاف گرگان)



انتخابات انجمن شهرداری در مدرسه محسنیه، بهمن ماه ۱۳۳۱
مرکز اسناد موسسه فرهنگی میرداماد



انتخابات انجمن شهرداری در مدرسه محسنیه، بهمن ماه ۱۳۳۱
مرکز اسناد موسسه فرهنگی میرداماد

